



## بررسی مبانی سرمایه اجتماعی بر توسعه پایدار شهری

زهره احمدی

کارشناسی ارشد، باستان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

### چکیده

رشد فزاینده شهرنشینی و تغییر در ماهیت و پیچدگی مسائل موجب ناکارآمدی برنامه ریزی و مدیریت در مقیاس کلان شده است. این امر ضرورت توجه به سطوح پایین تر و داشتن نگاه از «پایین به بالا» را به منظور حل پایدار مسایل شهری، بیش از پیش آشکار ساخته است؛ زیرا در خردترین واحد شهری یعنی محله، ابعاد زندگی ملموس تر بوده و توجه همه جانبه و جامع نگر، گریزناپذیر به نظر می رسد. در این راستا توجه به سرمایه های محلی در برنامه ریزی و طراحی شهری جایگاه ویژه ای یافته است. در این پژوهش، مفهوم سرمایه اجتماعی شامل دو بعد شناختی و ساختاری و مفهوم توسعه پایدار شامل اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی، نهادی و کالبدی می باشد که ارتباط بین مفاهیم و ابعاد نامبرده با یکدیگر مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش حاضر از نظر روش شناسی بر اساس هدف از نوع بنیادی نظری و کیفی است. چارچوب نظری این تحقیق بر مبنای نظریه های توسعه پایدار می باشد و داده ها از طریق مطالعات کتابخانه ای- اسنادی، گردآوری شده است. نتایج حاکی از اهمیت نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار است و در انتها پیشنهاداتی در حوزه های مختلف توسعه پایدار در راستای تقویت شهر عنوان شده است.

**واژگان کلیدی:** سرمایه اجتماعی، توسعه، توسعه پایدار



## مقدمه

برنامه ریزی شهری با تکیه بر جنبه های کالبدی و جنبه های اجتماعی شهر به شناسایی این ویژگی ها میپردازد؛ و به منظور افزایش سطح کیفی زندگی و تقویت کارکردهای مثبت شهری و محله ای از ابزارهای تصمیم سازی و تصمیم گیری خود استفاده مینماید. در قرن اخیر، شهرها، محلات مسکونی و فضاهای شهری در سیر تحول و فرایند تکوین خود و تحولات و جریانهای ناشی از اندیشه جهانی شدن پدیده ها، دستخوش تغییرات و دگرگونی های شگرفی شده اند. در این جریان ارتباط میان انسان و محیط زندگی او دچار گسست عظیمی شده و شکاف موجود مقدمه جدایی مکانی و شکل گیری فضای اجتماعی عاری از پیوستگی های اجتماعی را ایجاد نموده است (رفعیان و هودسنی ۱۳۶۶). هر شهر از مجموعه ای از محله ها تشکیل شده است. این محله ها به لحاظ ساختار، تاریخ، طبقه اجتماعی و اقتصادی ساکنین و همچنین نوع کاربری زمین دارای تفاوت ها و تشابهاتی می باشند. از نظر برنامه ریزی شهری و جامعه شناسی شهری بررسی و شناخت این عناصر و دلایل آنها بسیار مهم می باشد. محله از دیر باز نقش تعیین کننده ای در ایجاد شکل های اجتماعی در شهرهای ایران ایفاء کرده است و همچنین می توان محله را به عنوان مکانی دانست که دارای کنش ها و ارتباطات مختلف اجتماعی، فرهنگی، قبیله ای و سیاسی بوده که این کنش ها به شدت در آن جریان پیدا کرده و همواره از جریانهای کلان اجتماعی در شهرها تأثیر پذیرفته است. از مفاهیمی که طی سال های اخیر به شدت مورد توجه قرار گرفته است، توسعه پایدار محله ای می باشد. این مفهوم می بایست به گونه ای برنامه ریزی گردد تا در بلند مدت منجر به رفع نیازهای اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی ساکنان محله گردد. امروزه تغییر در ماهیت مسایل شهری، موجب پیچیدگی نقش ها و کارکردهای شهر گشته که این امر برنامه ریزان و مدیریت شهری را با چالش های مختلفی در اداره و هدایت شهر روبرو ساخته و آنها را ناگزیر به نگرش و برنامه ریزی در سطح محله ای، جهت استفاده و بهره برداری از امکانات، نظرات و سرمایه های اجتماعی مردم ساکن محلات شهری نموده است (مقیمی، ۱۳۵۲).

در جامعه امروز شهری برای دستیابی به توسعه پایدار، محله بنیادیترین عنصر شهری و حلقه واسط بین شهر و شهروندان در لایه های زیستی - فضایی شهر (واحد مسکونی، محله، شهر) است. که با تحولات دوره مدرنیته، و تغییر زیربناهای معیشتی و روابط اجتماعی در محلات، از هویت خود تهی شدند. ضرورت احیاء و بازساخت فضایی آن به عنوان یک واحد برنامه ریزی شهری اجتناب ناپذیر است. مسولان برنامه ریزی محلی باید بتوانند اقدامات توسعه شهری را از دیدگاه پایداری ارزیابی کنند و در عین حال سیاست هایی را که منجر به محلات پایدار می شوند را ارائه نمایند. در کنار برنامه ریزی محله مبنای توجه کردن به مسائل اجتماعی جامعه و بهره گرفتن از ظرفیت های موجود در آن، عطف توجه کارگزاران امر توسعه شده است. شواهد تجربی بیانگر آنند که سرمایه اجتماعی عامل مهمی در توسعه پایدار همه جانبه و بین نسلی است (موسوی و همکاران، ۱۳۵۷). امروزه سرمایه اجتماعی را یکی از اجزای ثروت ملت ها و توسعه پایدار، و همچنین از ابزارهای ظرفیت سازی در اجتماعات، تدبیری برای پیشگیری و کاهش مشکلات اجتماعی و عاملی برای موفقیت برنامه های رفاه اجتماعی و ارتقای سلامت فردی و اجتماعی می دانند (همان). در واقع پیامدهای نامطلوب رشد سریع و بی رویه شهرها سبب طرح مباحث جدید توسعه پایدار شهری و در پی آن، توسعه پایدار محله ای گردید. از آنجا که در رهیافت توسعه شهری پایدار،



محلات شهری برای حصول به توسعه پایدار شهری اهمیت بنیادینی دارند. توسعه پایدار شهری بدون بنیان نهادن پایه های خود بر شالوده محلات، در نیل به اهداف خود با مشکل مواجه خواهد شد. در این رهیافت، توسعه پایدار فرآیندی چند بعدی تلقی میشود. که در جریان بهبود وضعیت اقتصادی و رفاه همگانی توأم با عدالت اجتماعی، از آثار مخرب زیست محیطی و ناپهنجاری های اجتماعی ناشی از توسعه سریع پیشگیری می کند. توسعه پایدار محله ای با تاکید بر مفهوم پایداری، با ارتقاء کیفیت زندگی، تامین عدالت و تقویت روحیه مشارکت فعال، دعوی دستیابی به شهر پایدار را از رهگذر محله پایدار را دارد (معمار ۱۳۷۵) در جامعه امروز شهری برای دستیابی به توسعه پایدار، محله بنیادین ترین عنصر شهری و حلقه واسط بین شهر و شهروندان در لایه های زیستی- فضایی شهر (واحد مسکونی، محله، شهر) است. که با تحولات دوره مدرنیته، و تغییر زیربنای معیشتی و روابط اجتماعی در محلات، از هویت خود تهی شدند. ضرورت احیاء و بازساخت فضایی آن به عنوان یک واحد برنامه ریزی شهری اجتناب ناپذیر است. مسولان برنامه ریزی محلی باید بتوانند اقدامات توسعه شهری را از دیدگاه پایداری ارزیابی کنند و در عین حال سیاست هایی را که منجر به محلات پایدار می شوند را ارائه نمایند. در کنار برنامه ریزی محله مبنا، توجه کردن به مسائل اجتماعی جامعه و بهره گرفتن از ظرفیتهای موجود در آن، عطف توجه کارگزاران امر توسعه شده است. شواهد تجربی بیانگر آنند که سرمایه اجتماعی عامل مهمی در توسعه پایدار (همه جانبه و بین نسلی) است (موسوی و همکاران، ۱۳۵۷) امروزه سرمایه اجتماعی را یکی از اجزای ثروت ملتها و توسعه پایدار، و همچنین از ابزارهای ظرفیت سازی در اجتماعات، تدبیری برای پیشگیری و کاهش مشکلات اجتماعی و عاملی برای موفقیت برنامه های رفاه اجتماعی و ارتقای سلامت فردی و اجتماعی می دانند .

### تعریف عمومی از سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی ، عبارت است از یک ظرفیت (جوهر اجتماعی) که هماهنگی و همکاری را در جامعه و گروه ، تسهیل می کند . در واقع ، می توان سرمایه اجتماعی را یک مفهوم مرکب که دارای سه بعد : ساختار ، محتوا و کارکرد است ، تلقی نمود که ساختار اجتماعی آن ، همان شبکه ارتباطات اجتماعی است و محتوای آن ، عبارت از اعتماد و هنجارهای اجتماعی است و کارکرد آن نیز همان عمل متقابل اجتماعی است.

### عوامل تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی

عوامل ساخت سرمایه اجتماعی را به چهار دسته تقسیم کرده اند:

۱-عوامل نهادی : نهاد به معنای قانون ، رسم ، عرف ، عادت و یا سازمانی است که در زندگی سیاسی یا اجتماعی مردم ، مؤثر واقع می شود و نظام هدف داری را در جهت رفع نیازهای یک اجتماع سازمان یافته ، ایجاد می کند ، مانند : دولت که از طریق وضع قوانین و ایجاد نظام هدفدار ، موجب تشکیل سرمایه اجتماعی می شود .

۲-عوامل خودجوش : هنجارهایی که به صورت خودجوش ، به جای قانون و دیگر نهادهای رسمی ، از گُنش های متقابل اعضای یک اجتماع به وجود می آیند و ناشی از انتخاب های تعمّدی نیستند ، در این دسته قرار می گیرند

۳- عوامل بیرونی : منظور از این دسته عوامل ، هنجارهایی هستند که از جایی ، غیر از همان اجتماعی که در آن به کار رفته اند ، سرچشمه می گیرند ، همچون : دین ، مذهب ، ایدئولوژی و فرهنگ یا تجربه مشترک تاریخی



۴- عوامل طبیعی: در این گروه، دو دسته از عوامل: «روابط خویشاوندی» و «همبستگی های قومی و نژادی» قرار می گیرند. ابعاد سرمایه اجتماعی در یک دسته بندی، سرمایه اجتماعی به سه بُعد: ساختاری، شناختی و ارتباطی تقسیم می شود که در ادامه به بررسی هر یک از این ابعاد می پردازیم

بعد ساختاری: این بُعد، به سه دسته زیر تقسیم می شود:

الف: پیوندهای موجود در شبکه، شامل: وسعت و شدت ارتباطات موجود در شبکه.

ب: شکل و ترکیب شبکه، شامل: سلسله مراتب شبکه، میزان ارتباط پذیری و تراکم شبکه.

ج: تناسب سازمانی، مثلاً: تا چه اندازه شبکه ایجاد شده برای یک هدف خاص، ممکن است برای اهداف دیگر نیز استفاده شود

بعد شناختی: این بعد که محور آن، شناخت (یعنی فعالیت های ذهنی، عقلی و اندیشه ای) است، با استفاده از زبان مشترک، بینش مشترکی از اهداف و ارزش ها را برای اعضای شبکه فراهم می کند و مقدمه فعالیت بهینه آنان در نظام اجتماعی را فراهم می نماید و شامل: زبان، عالئم مشترک و روایت های مشترک است.

بعد ارتباطی: این بعد، شامل مؤلفه هایی چون: اعتماد، هنجارها، تعهدات، روابط متقابل و تعیین هویت مشترک است

#### یک تقسیم بندی دیگر

دسته بندی دیگری از ابعاد سرمایه اجتماعی توسط گروه «کندی» در دانشگاه هاروارد، انجام شده که در عین توجه به متغیرهای تقسیم پیشین، سرمایه اجتماعی را به گونه ها و ابعاد متنوع تری تقسیم نموده است:

#### ۱- اعتماد

الف: اعتماد اجتماعی: شامل اعتماد به افرادی مانند: همسایه، همکار، فروشنده یک فروشگاه، یک هم کیش، پلیس و خالصه همه کسانی است که در زندگی روزمره با آنها در ارتباط هستیم.

ب: اعتماد میان نژادهای مختلف: ممکن است سرمایه اجتماعی، میان نژادهای مختلف (سیاه، سفید، زرد) بررسی شود و میزان اعتماد نژادها به همدیگر سنجیده شود

#### ۲- مشارکت سیاسی:

الف: مشارکت سیاسی عادی: این نوع مشارکت را می توان از روی تعداد رأی دهنده، میزان مطالعه و حجم خرید روزنامه ها، اطلاعات شهروندان از مسائل سیاسی روز و ... مورد اندازه گیری قرار داد.

ب: مشارکت سیاسی نقادانه: ممکن است مشارکت سیاسی عادی یک جامعه در حد پایینی باشد، ولی همین جامعه از لحاظ مشارکت سیاسی نقادانه، سطح بالایی داشته باشد و افراد در فعالیت هایی مثل: راهپیمایی ها، اعتصابات، تحریم ها، تجمع ها، انقلاب سیاسی و ... حضور فعال داشته باشند

### ۳- مشارکت و رهبری مدنی:

الف : رهبری مدنی : نقش رهبری افراد در گروه ها ، باشگاه ها ، انجمن ها و امور شهر یا مدرسه و دانشگاه و نظایر اینها - که اشکال مختلف مشارکت مدنی هستند - ، گونه ای از سرمایه اجتماعی است .

ب : مشارکت مدنی : یعنی افراد جامعه تا چه اندازه در انواع گروه های مذهبی ، باشگاه های ورزشی ، سازمان های جوانان ، انجمن های مربوط به والدین ، گروه های و مؤسسات خیریه ، تعاونی ها و اتحادیه های کارگری ، فرهنگسراها و ... فعالیت می کنند .

۴- پیوندهای اجتماعی غیر رسمی : این بعد ، بر خلاف بعد قبلی ، به سنجش جنبه های غیر رسمی سرمایه اجتماعی می پردازد ، مانند : تعداد دوستان یک فرد ، میزان معاشرت فرد با دوستان خود در محیط اداری و خارج از آن ، مشارکت در بازی های گروهی ، دیدار از فامیل و....

۵- بخشش و روحیه داوطلبی : عضویت افتخاری شهروندان در سازمان های غیردولتی خدمات انسان دوستانه و همکاری افراد جامعه با نهادهای خیریه و داوطلبانه ، چه به صورت مالی و فکری و صرف وقت ، از این قبیل سرمایه های اجتماعی است

۶= مشارکت مذهبی : مذهب نقش خیلی مهمی در سرمایه اجتماعی ایفا می کند . افراد بر حسب دین و مذهبی که دارند ، ممکن است منشاء مشارکت باشند . مانند : فعالیت در امور مساجد و تکایا ، کلیساها و یا اماکن مذهبی و زیارتی

### ۷- عدالت در مشارکت مدنی:

در برخی جوامع تمایل به سوی افراد متمکن ، تحصیلات علایه و نژاد خاصی است و بالعکس در برخی جوامع دیگر ، افراد فقیر در اولویت قرار دارند . از آن جا که این عوامل در سلامت جامعه مهم هستند ، اندازه گیری میزان تساوی افراد مختلف در مشارکت های اجتماعی ، حائز اهمیت است

۸- تنوع معاشرت ها و دوستی ها : هر چه فرد با افراد ، طبقات و گروه های بیشتر و متعلق به نژادها و مذاهب مختلف در ارتباط باشد و با آنها رابطه دوستی برقرار کرده باشد ، به همان اندازه موجب افزایش سرمایه اجتماعی شده است . به طور کلی می توان گفت که : سرمایه اجتماعی یک ظرفیت ، جوهر اجتماعی یا هنجاری غیر رسمی است که همکاری میان افراد و نهادهای یک جامعه را ارتقا می بخشد . هر شبکه اجتماعی ، برای دستیابی به اهداف خود ، علاوه بر افراد آگاه و با تجربه و امکانات و ابزار مادی ، به عوامل مانند : اعتماد ، تعهد و مسئولیت پذیری و ... هم نیاز دارد که این عوامل ، همان سرمایه های اجتماعی هستند . حتی یک گروه از خلافکاران (مثل گروهی دزد یا قاچاقچی) هم برای موفقیت در کار خود به سرمایه اجتماعی و هنجارهایی مانند : رفتارهای اخلاقی ، قانونمداری ، خطرپذیری و اعتماد متقابل در بین اعضای گروه ، نیاز دارد . در واقع برای موفقیت دسته جمعی در امور غیر قانونی هم ، وجود سرمایه اجتماعی شرط است.(مختاری،۱۳۸۹)



## توسعه پایدار محله ای

مفهوم شناسی توسعه طرح مفهوم توسعه در سطح جهانی، به گونه ای پیچیده با سیاست در ارتباط بوده است (معمار ۱۳۵۴) تاکنون در رابطه با توسعه، تعاریف زیادی صورت گرفته و تقریباً بر روی شاخص های توسعه یافتگی مقدار زیادی توافق وجود دارد. با این وجود هنوز تفاوت های میان اندیشمندان در تبیین مفهوم توسعه مشاهده می شود. به ویژه اخیراً با طرح مسائل زیست محیطی و پیدایش مفهوم توسعه پایدار، اینگونه اختلاف نظرها در رابطه با توسعه بیش از گذشته حادث شده است (رحیمی ۱۳۶۳)

روبین اتفیلد و بری ویکنز در تعریف توسعه می گویند: توسعه فرآیندی جامع از فعالیت های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که هدفش بهبود مداوم زندگی تمامی جمعیت بوده و فعالیت، آزادی، مشارکت مناسب و توزیع عادلانه ی منافع از ارکان اساسی آن به شمار می آید. تطورات تاریخی توسعه بعد از جنگ جهانی دوم را می توان چنین دسته بندی بندی کرد

**توسعه اقتصادی** که به معنای بهره وری نیروی انسانی کاهش سهم کشاورزی در کل تولید، پیشرفت تکنولوژی سخت افزار، توسعه شهرنشینی و افزایش آن نسبت به روستانشینی است که در آن تغییر ساختار اقتصادی معمولاً با رشد اقتصادی نیز همراه است طی دهه، ۱۵۹۷ کمک های خارجی و پس اندازها عوامل اصلی توسعه به شمار می آمد و معضل فقر، مشکل اصلی تلقی می شد که راه حل آن در افزایش سریع تولید ناخالص ملی جستجو می شد. در این هنگام، رشد اقتصادی به عنوان هدف اساسی از سوی اقتصاددانان برای جهان سوم تعیین شد. توجه به رشد اقتصادی برای محور توسعه را آرتور لویس بدین گونه بیان می کند: علاقه ی اصلی ما، تجزیه و تحلیل رشد است نه توزیع، یعنی رشد بازده سرانه جمعیت ...

**توسعه اقتصادی و اجتماعی** شاخص هایی از معیارهای زندگی همچون فقر، توزیع درآمد، تغذیه، امید به زندگی، باسوادی، آموزش و پرورش، اشتغال، مسکن، آبرسانی و خدمات دیگر انجام می گیرد. این تفکر علاوه بر ایجاد ظرفیتهای اقتصادی، به عدالت اجتماعی از قبیل توزیع عادلانه ثروت و کاهش اختلاف طبقاتی و تامین حداقل سطح زندگی نیز وجود دارد. در دهه ی هشتاد میلادی نظریه پردازان به این نکته وقوف یافتند که تاکیدهای آنان بر وجوه اقتصادی و سیاسی توسعه هریک به تنهایی کفایت نکرده و نتایج مورد انتظار را به بار نیاورده است. وجود دولت های مقتدر توسعه گرا و اجرای قهرآمیز این برنامه ها نشان داد که برای تحقق توسعه، وجود جامعه ای دموکراتیک ضروری است. توسعه راستین هنگامی به واقعیت می پیوندد که مشارکت وسیع مردم در جریان طراحی و در مراحل اجرای برنامه های توسعه میسر شود. بعد اجتماعی توسعه فرآیند توسعه را مستلزم کسب اعتماد اجتماعی، گسترش شبکه روابط اجتماعی، تسهیل هنجارهای همکاری و اقدام جمعی می داند .

توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رشد خشونت و بیثباتی در کشورهای در حال توسعه ای که فرایند رشد اقتصادی را پشت سر گذاشته بودند، پیش شرط های دموکراسی و توسعه سیاسی را در کنار مباحث اقتصادی مطرح ساخت. توسعه سیاسی به منزله ی حرکت از جامعه سیاسی سنتی به سمت جامعه سیاسی نو تعریف می شد که فرآیند تحقق آن منوط به عقلانی شدن اقتدار سیاسی و تمایز حوزه های خاص حقوقی، نظامی، اداری، علمی از قلمرو سیاست بود. که بر حسب معیارهای از قبیل درک بهتر فرایندهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، شایستگی خرد و دانش در تحلیل و حل مسائل روزمره ی زندگی، گسترش مهارتهای دستی و کنترل بیش تر بر

منابع اقتصادی، بازگردان حیثیت و کرامت انسانی و رابطه ی بین گروه های اجتماعی بر مبنای احترام متقابل و برابر سنجیده می شود (همان ۲۳)

**توسعه فرهنگی :** در جریان اجرای توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، اندیشمندان به این نکته پی بردند که موفقیت های برنامه های گوناگون توسعه با فرهنگ هر جامعه، مرتبط است. و وجود عناصر متناسب و نامتناسب با فرآیند توسعه در فرهنگ هر جامعه، می تواند روند اجرای برنامه های توسعه را تحت تاثیر قرار دهد. توسعه فرهنگی نیروی محرک توسعه اقتصادی و هدف نهایی توسعه است، بنابراین ایجاد امکانات برای همه ی مردم به منظور دسترسی به زندگی فرهنگی و به عهده گرفتن سهمی فعال در آن اهمیت نقش اقدام فرهنگی در تکمیل برنامه های آموزشی و علمی، از جمله ویژگیهای توسعه در بعد فرهنگی، محسوب می شود این اعتبار، بعد فرهنگی توسعه شامل تمامی عناصر روانشناسانه و جامعه شناسانه، مانند عوامل اقتصادی، فنی، علمی می شود که بهبود زندگی مادی و معنوی مردم را هدف می گیرد.

توسعه بر مبنای رفع نیازهای اساسی در اواسط دهه ۶۷ و ۶۸ مجموعه عمدهای از پیشینه ی توسعه فراهم آمد که بر مسائلی چون رشد، برابری، دموکراسی، ثبات و استقلال تاکید داشت و بهترین شیوه های دستیابی به این اهداف را تجزیه و تحلیل می کرد. در این رهیافت، ساختارهای نیازهای بشر، مشترک فرض شد که شامل غذا، آب، بهداشت، آموزش و مسکن می شد. اگرچه تا این زمان هنوز تعریف مشخصی از توسعه به دست نیامده بود، اما مشخص بود که توسعه رشد بدون توزیع و توزیع بدون رشد امکان پذیر نیست؛ در این رهیافت، توسعه یعنی توانایی رفع حداقل نیازهای اساسی جامعه، اما یک جامعه فقرزده، حتی برای تامین نیازهای اساسی خود نیازمند رشد اقتصادی است. این رهیافت در درون خود با تناقضاتی مواجه بود ضمن تاکید بر رفع نیازهای اساسی بشر، به تنهایی پاسخگوی روند پیچیده ی توسعه نبود.

### توسعه در مفهوم جامع توسعه پایدار

در دهه ۸۰ تغییر محسوسی در معنای واقعی توسعه به عمل آمد و توسعه معنایی عمیق تر از گذشته پیدا کرد. طی سی سال، فضای مفهومی توسعه از یک مقوله اقتصادی صرف به مقوله ی پیچیده تری بدل گشت که در بر گیرنده ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و مادی است که با عدالت اجتماعی، وجود روابط قانونی، حقوق انسانی برابر، رشد سیاسی و مشارکت مردمی همان قدر همراه است که با رشد زیرساخت ها، افزایش تولید کالاهای مصرفی و غیره. اصطلاح توسعه پایدار، نخستین بار در سال ۱۹۸۷ کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه عنوان شد؛ در این کمیسیون، بر مسائل زیست محیطی در فرآیند توسعه اقتصادی تاکید گردید. نشست لاهه در سال ۱۹۹۱ فضای مفهومی توسعه پایدار را با دقت بیشتری مورد بحث و بررسی قرار داد. در این کنفرانس، توسعه ی پایدار توسعه ای فراگیر تعریف شد که عدالت و امکانات زندگی را برای همه ی مردم جهان و تمامی نسل ها بدون تخریب منابع طبیعی محدود جهان به همراه داشته باشد. در سال ۱۹۹۲ کنفرانس زمین در ریودوژانیرو تشکیل شد. پیام کنفرانس زمین به دنیا این بود که بدون حفظ سلامت محیط زیست، توسعه امکان پذیر نیست و در صورت شتاب نگرفتن فرایند توسعه در کشورهای فقیر، سیاست های حمایت از محیط زیست با شکست مواجه خواهد شد؛ بنابراین، مباحث مربوط به رشد اقتصادی و ارتباط آن ها با محیط زیست و جوامع انسانی، مقدمه ای برای ایجاد مفهوم توسعه پایدار شد از این منظر، رهیافت توسعه پایدار به معنی ارائه راه حل هایی در برابر الگوهای سنتی توسعه است که بتواند از بروز مسائلی چون نابودی منابع طبیعی، تخریب اکوسیستم ها، آلودگی هوا، آب و آلودگی صوتی، افزایش افسار گسیخته جمعیت، رواج بی عدالتی، و پایین آمدن کیفیت زندگی انسان ها جلوگیری کند؛ این رهیافت از محیط زیست حمایت می کند و بر



عدالت اجتماعی تاکید دارد، بنابراین - از نظر اقتصادی، یک نظام اقتصادی پایدار باید قادر باشد از ایجاد بی تعادلی در بین بخش های مختلف اقتصادی جلوگیری کند تا به تولیدات کشاورزی و صنعتی آسیب وارد نشود. از نظر زیست محیطی، یک اکوسیستم پایدار باید به حفاظت از منابع طبیعی اقدام کند و از بهره بردای های بی رويه منابع و تخریب محیط زیست جلوگیری کند. اجتماعی، بهداشت، آموزش و پرورش، برابری جنسیتی، برابری قومی، و رفع تبعیض و حفظ حقوق از نظر اجتماعی، یک نظام اجتماعی پایدار باید به توزیع برابر منابع و تساوی تسهیالت و خدمات مدنی و شهروندی دست یابد. توسعه پایدار نیز به عنوان یکی از رویکردهای توسعه که از حدود سه دهه پیش در سطح وسیعی گسترش یافته است، در عرصه اجرا عمدها مبتنی بر رویکرد پایین به بالا است که در آن بر شرایط طبیعی محلی، فرهنگ محلی، اقتصاد محلی، چارچوب نهادهای محلی و مانند اینها تاکید میشود. در باحث زیر به شناخت بیش تر توسعه پایدار می پردازیم.

### تعریف توسعه پایدار

در دهه، ۱۹۸۰ بسط و گسترش سریعی از تئوری های توسعه به نام توسعه پایدار به سرعت گسترش یافت و توانست دیدگاههای خرد و کلان را با هم ترکیب کند. در توسعه پایدار، شخص به عنوان هسته مرکزی تلقی شده، ولی می توان مقیاس را از شخص به کره زمین تغییر داد. در این حالت تمامی اشیاء و انسان های کره زمین در نظر گرفته می شوند و هیچ فرقی نمی کند که انسان کجای جهان زندگی کند و یا مشغول چه فعالیتی باشد (سیمون و مورس: ۱۳۶۹) توسعه پایدار را می توان تلاش انسان برای برقراری آشتی میان پیشرفت به موازات حفاظت از محیط زیست و منابع موجود در جهان معنی کرد. به بیان دیگر، توسعه پایدار را بایستی برآوردن نیازهای نسل حاضر بدون لطمه وارد نمودن به منابع نسل های آینده در جهت برآوردن نیازهای طبیعی شان دانست. این نوع توسعه، مرهون ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اکولوژیکی است که هریک اهدافی چند را شامل شده، برای دستیابی به توسعه جامع، توجه به تمامی آن جنبه ها ضروری است (رحیمی ۱۳۶۳)

### مولفه های توسعه پایدار

**انسان:** «توسعه پایدار»، انسان محور است و با توجه به گستردگی مباحث و قابلیت های بسیار آن به سرعت به مهمترین مناظره کنونی و نیز یکی از مهمترین چالش های قرن بیست و یکم تبدیل شده است. در پایان هزاره سوم میلادی روند رشد و توسعه در چارچوب پایداری احیا شد. در توسعه پایدار، انسان محور توسعه و مستحق بهداشت، زندگی سازنده و در هماهنگی با طبیعت معرفی می شود و این مفهوم، دقیقاً در نخستین اصل «اعلامیه ریو» انعکاس پیدا کرده است.

**کودکان و جوانان:** «کمیسیون برانت لند» توسعه پایدار را به «عنوان توسعه ای که حواجی کنونی را تامین می کند بدون آنکه توانایی نسل آینده برای برآوردن نیازهای خود را به مخاطره افکند» تعریف کرد. پایداری برای کودکان، نوجوانان و جوانان مسئله ای واقعی است. نظریه پردازان توسعه پایدار، به دلیل داعیه های خود در مورد انسان در قرن بیست و یکم، بر حقوق کودکان و نقش آفرینی جوانان تاکید بسیار داشته، تحرک و خالقیت های مردم در سراسر جهان و مشارکت آنان در تمامی سطوح توسعه را ضرورتی اجتناب ناپذیر در هر برنامه میدانند



**زنان:** زنان در جهان و به ویژه در کشورهای در حال توسعه از نابرابریهای بسیار رنج میبرند در حالی که توسعه بدون مشارکت فعال آنان به سرانجام نخواهد رسید زنان به دلیل زایمان به تغذیه بیشتر و بهداشت بهتر نیازمندند. درحالی که کمتر از مردان غذا می خورند و کمتر به امکانات بهداشتی دسترسی دارند. سطح سواد و تعلیم و تربیت در زنان پایین تر از مردان است در حالی که مسئله تعلیم و تربیت فرزندان خود را از بدو تولد بر عهده دارند.

**محیط زیست:** واقعیت این است که توجه به محیط زیست و طبیعت در دوران ما تبدیل به معیار شده است، معیاری که هر روز بیش از پیش در جهان فراگیر می شود. در چشم انداز زیست محیطی آن گونه که «مان» مطرح کرد، توسعه تنها زمانی پایدار است که بر شالوده اصول بوم شناسی استوار باشد. توسعه پایدار، در آخرین سال های هزاره دوم با محور قراردادن انسان و با نگاهی به آینده در مورد استفاده از تمامی ظرفیت های است که جداگانه یا در تعامل با عوامل دیگر، تداوم زندگی نسل ها را تضمین کند و این مهم تحصیل نخواهد شد مگر در پرتو بقای محیط زیست.

**فرهنگ:** در سال های اخیر به صورت مشخص پذیرفته شده است که دگرگونی اجتماعی و حرکت به سوی مطلوب نمی تواند و نباید به بهای قربانی شدن فرهنگ ها بدست آید، بلکه اصولاً این روند با ارج گذاری به فرهنگ ملتها، به سرانجام خواهد رسید. یکی از نخستین تعریف ها در این زمینه را رینه مائو دبیر کل پیشین یونسکو در سال ۱۹۶۳ ارائه داد. به نظر او توسعه زمانی محقق می یابد که علم به فرهنگ تبدیل شود. در سالهای دهه ۱۹۸۰، ضرورت توجه به فرهنگ در نظریه پردازی پیرامون پایداری آشکارتر و در سال های ۱۹۹۰ اهمیت آن غیر قابل انکار شد. به این ترتیب، در مطالعات و تحلیل ها در کنار مولفه های اقتصاد، محیط زیست و مسائل اجتماعی، فرهنگ نیز مورد تاکید قرار گرفت. در این سالها در بسیاری از پژوهش ها و نظریه پردازیها از مبنای چهارگانه توسعه پایدار یاد می شد. بدیهی است که با پذیرش فرهنگ به عنوان یک رکن اصل توسعه و پایداری، راه برای ورود دیگر مولفه های معنوی و غیر مادی گشوده می شد، زیرا براساس تعاریف مورد توافق جداسازی فرهنگ از ارزش ها متصور نخواهد بود و در عرصه معیارهای ارزشی، و به ویژه داوری اخلاقی اجتناب ناپذیر است. به این ترتیب در مفهوم توسعه پایدار، در واقع نوعی داوری ارزشی مبتنی بر فرهنگ به رسمیت شناخته شد و مآلاً توسعه در قالب آن تعریف شد.

**آموزش:** تعلیم و تربیت مهمترین عامل موثر در دگرگونی طرز نگرش و رفتار بشری است که در مسیر رشد اقتصادی، بهبود کیفیت زندگی، ایجاد دانش و مهارت، تامین فرصت های شغلی و افزایش تولید جامعه به کارگرفته می شود. از این رو در جوامع منزلتی یگانه یافته است. در چشم انداز پایداری، مهمترین سرمایه کشورها سرمایه های انسانی است بدیهی است که بالندگی سرمایه های عظیم در گرو آموزش خواهد بود. آموزش و پرورش پلی است که از گذشته به حال و از حال به آینده میرسد، لذا برای رسیدن به آینده های پایدار درکی عمیق تر از اهمیت این موضوع و نگاهی دوباره بر نظام آموزش کشورها در نخستین گام ضرورت خواهد داشت.

**علم:** در دنیای معاصر دانش به صورت روز افزونی به یک کالای بین المللی تبدیل شده و نهادهای بزرگ تحقیقاتی به کارخانه های تولید دانش مبدل شده اند. امروزه دانش که به صورتی نابرابر در جهان توزیع شده است؛ منبع اصلی قدرت و کنترل محسوب می شود. آگاهی یافتن از دانش و فرهنگ بومی در عرصه های مختلف از جمله محیط زیست، برای موفقیت ابتکارات مربوط به توسعه پایدار ضروری است و به ویژه باید دانست که هر تلاش برای رسیدن به پایداری، بدون مشارکت فعال مردم محلی به احتمال قوی به سرانجام نخواهد رسید.



**اخلاق:** توجه به عنصر اخلاق و معنویات در مطالعات توسعه پایدار در واپسین سالهای هزاره دوم به ضرورتی غیرقابل انکار تبدیل شده است. با مروری بر پژوهش هایی که تحت این عنوان در این سالها صورت گرفته است می توان تصور کرد که اهمیت این عوامل در آینده قابل پیش بینی، همچنان جاذبه های زیادی در عرصه های نظری و عملی ایجاد کند

**امنیت:** تصور می شود توسعه پایدار، به دلیل دامنه وسیع مباحث، جامعیت مفاهیم و بخصوص به دلیل پرهیز از گرفتار شدن در تحلیل های یک سویه و پذیرش نقش آفرینی عوامل دخیل و تاثیر متقابل آنها بر یکدیگر، در عرصه امنیت نیز به صورت روزافزونی در حال تبدیل شدن به استراتژی امنیت جهانی است. این باوری است که با اقبال و تایید روز افزون نظریه پردازان و پژوهشگران موجهی در جهان روبه رو شده است و به نظر می رسد در آینده به راهبرد امنیتی غالب در عرصه گیتی تبدیل شود.

**مشارکت:** حضور آگاهانه مردم در صحنه سیاسی به ویژه در سال های اخیر، به عنوان یکی از شاخصه های اصلی توسعه پایدار مورد تاکید قرار گرفته است. یونسکو طی گزارشی برای قرن بیست و یکم، توسعه پایدار مستلزم گذار از عضویت فردگرایانه در جامعه به مشارکت دموکراتیک مردم در صحنه تلقی کرده است. بر این اساس، توسعه پایدار، بدون برخورداری از کارکردهایی در جهت تعمیق مشارکت دموکراتیک دست یافتنی نخواهد بود. حضور و مشارکت قانونمند مردم در صحنه های اجتماعی و سیاسی کشورها، هرروز بیش از پیش مورد توجه قرار میگیرد و جدا از همه مسائل دیگری که دموکراسی را به عنوان ضرورتی غیر قابل انکار در دنیای کنونی مورد تاکید قرار میدهد، اصولا در چشم انداز آینده و درجهانی که درپیش است، فکر توسعه ای بدون دموکراسی معقول و ممکن نخواهد بود (منزوی، و همکاران: ۱۳۵۷)

### اصول توسعه پایدار

رعایت اصول توسعه پایدار، یک انتخاب تجملی نیست، بلکه یک ضرورت حیاتی است. باید توجه داشت که علی رغم وزن تعیین کننده ای که مباحث زیست محیطی در توسعه پایدار دارند، لیکن پایداری اجتماعی سیاسی، و اقتصادی نیز شدیدا مد نظر است. به قول باوٹ روید در واقع شرایط جامع پایداری زمانی مهیا میشود که مجموعه ای از پایداری اجتماعی با هدف عدالت اجتماعی، پایداری اقتصادی با هدف بقای اقتصادی و پایداری زیست محیطی با هدف تعادل اکولوژیک و از همه مهمتر پایداری سیاسی با هدف ثبات سیاسی در جامعه بوجود آید. در مجموع، سیاست های اصولی توسعه پایدار را می توان به چهار گروه به شرح زیر تقسیم کرد:

الف- به حداقل رساندن مصرف منابع طبیعی تجدیدناپذیر (مانند سوخت های فسیلی و منابع کانی)

ب- پایدار ساختن مصرف منابع طبیعی تجدیدپذیر (مانند آبهای زیرزمینی، خاک و گیاهان)

ج- نگهداشتن حد تولید ضایعات و آلودگیها در میزان ظرفیت جذب محلی و جهانی (مانند گازهای گلخانه ای، مواد شیمیایی و)..

د- تامین نیازهای پایه انسانی و اجتماعی (مانند دسترسی به ابزار معیشت، مشارکت، حق انتخاب، محیط سالم و مسکن و...) (رحیمی: ۱۳۶۳)

### عوامل توسعه پایدار

الف) دولت ها



در مسیر دستیابی به شرایط پایداری و به ویژه دوران گذار، وظایف گسترده ای بر عهده دولت ها گذاشته شد. آنها موظف شدند تا مولفه های توسعه پایدار را در تمامی سطوح برنامه ها و سیاست گذاری ها رعایت کنند. گفتنی است که در سال های دهه ۱۹۸۰ برخی از اندیشمندان نظیر ردکلیف در دامنه نظریه پردازی پیرامون محیط زیست، از مکتب مدیریتی زیست محیطی سخن به میان آورده بودند (نوابخش و همکاران، ۱۳۶۶)

#### ب) سازمان بین المللی

از پایان جنگ جهانی دوم تا کنون دست کم ۳۷ موسسه یا سازمان بین المللی مرتبط با توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در جهان به وجود آمد. این سازمان ها به عنوان یکی از مهمترین عاملان در این گستره، به صورت خاص مورد تاکید قرار گرفته اند. به این دلیل که توسعه پایدار، بنا بر شواهد متعدد، به نظر صاحب نظران، در آینده تبدیل به مناظره محوری و چالشی جهانی خواهد شد. نهادها و سازمان های بین المللی با چشم اندازی به دنیای آینده که در پرتو روند جهانی شدن نقش آنها تعیین کنندگی بیش تری خواهد داشت، در عرصه ظرفیت سازی برای چالشی نوین تحرک دوبارهای را برنامه ریزی کرده اند.

#### ج) سازمان های غیر دولتی

تحرک سازمان های غیر دولتی در سطوح محلی، ملی، و بین المللی از ویژگی های دوران جدید است. این تشکل های داوطلبانه مردمی که با تنوع در شکل، سطح، تخصص و از این قبیل به صورت مستقل فعالیت می - کنند، به عنوان پاسخی مسئولانه از طرف مردم با مشارکت در عرصه های حیات اجتماعی، به تحرک در زمینه های مختلف دامن می زنند (همان، ۱۳۶: ۱۴۹)

### اجزاء و عناصر اجتماعی شهر پایدار

توسعه پایدار شهری در بعد اجتماعی در روابط میان افراد تجسم می شوند که نیازمند انسجام اجتماعی، یکپارچگی، مشارکت، اعتماد و همکاری ساکنین است. تقویت و بهبود فضاهای کالبدی و ایجاد وفاق و همبستگی بین ساکنین با پایگاه های مختلف اقتصادی- اجتماعی و برخورداری از خدمات و تسهیلات و امکانات محله ای در چهارچوب این توسعه تحقق می یابد. لذا مشارکت ذینفعان، مدیریت مردم محور، تکوین و تقویت سرمایه های اجتماعی و ترغیب آنها در جهت پایداری از اهداف اصلی آن است (مجیدی خامنه و کلیوند ۱۳۵۱). توجه به ابعاد اجتماعی پایداری به این مفهوم است که یک شهر پایدار، شهری است که با مد نظر قرار دادن اهداف خاصی، سرپناه مناسب و مقرون به صرفه، بهداشت و درمان و ارائه خدمات اصلی دیگر به شهروندان، بتواند یک محیط امن، انسانی و فعال که عاری از بزهکاری باشد پدید آورد. ادغام ملاحظات اجتماعی و زیست حیطی خصوصیت بارز و برجسته یک شهر پایدار است (بحرینی ۱۳۶۶) پایداری باید به ایجاد جامعه ای مبتنی بر عدالت و برابری بینجامد. باید توجه داشت که شهر پایدار باید برای همه افراد اعم از نژاد، فرهنگ، سن، شغل و درآمد یکسان بوده و تنوع اجتماعی، و فرهنگی را ترغیب نماید. شهر پایدار شهری است که ورای راه حل های محدود و متعارف، مسایل اجتماعی و زیست محیطی را مورد توجه قرار داده و آنها را با یک دید وسیع، و جامع بنگرد. برای مثال، موضوع مسکن مناسب اغلب از یک دید کمی محدود بررسی میشود. یعنی پایین آوردن هزینه ساختمانسازی از طریق انبوهسازی و یا هر چه کوچکتر کردن واحدها، لیکن مسکن مناسب (حداقل مسکن) و زندگی مناسب (حداقل زندگی) به هیچ وجه مترادف هم نیستند. مقرون به صرفه بودن را می توان با ایجاد یک محیط شهری بدون اتومبیل و حذف کلیه هزینه های مربوط به آن تحقق بخشید. علاوه بر این باید توجه داشت که مسکن حداقل ممکن است بدون دسترسی به اشتغال، خدمات، فضای باز، و عناصر دیگر مربوط به کیفیت زندگی، مضر و بی معنی باشد (همان: ۲۵۴) شهر پایدار باید دارای پایداری اجتماعی و کیفیت زندگی بالا باشد. برای اینکه



پایداری در شهر بتواند از اعتبار و ارزش الزم برخوردار باشد، باید جنبه های اجتماعی را نیز دربرگیرد. بنابراین به موازات توجه به مسایل زیست محیطی، شهر پایدار باید به مسایل اجتماعی و انسانی نیز توجه داشته باشد. منظور ایجاد و حمایت از محیط های انسانی فعال، فضاهای زنده و شهرهای است که کیفیت بالایی را برای زندگی شهروندانش فراهم نماید. بدیهی است تعریف کردن ابعاد اجتماعی به مراتب از تعریف کردن ابعاد زیست محیطی و اکولوژیکی مهم تر و کیفیتر است، زیرا نمی توان به سادگی بر معیارهای همچون ظرفیت برد طبیعی متکی بود.

### پیشینه تحقیق

زاهدی (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان رابطه سرمایه اجتماعی با رفاه اجتماعی، دریافت که ارتباط مؤلفه های سرمایه اجتماعی (اعتماد، هنجارهای اجتماعی و شبکه های اجتماعی) با رفاه اجتماعی مثبت است.

موسوی و همکاران (۱۳۵۱) در پژوهشی با عنوان تحلیل فضایی رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار شهری در استان آذربایجان غربی، به سنجش شاخص های توسعه پایدار و سرمایه اجتماعی پرداخته اند. نتایج این پژوهش بیانگر رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار شهری در استان آذربایجان غربی به میزان ۶۶٪ با سطح اطمینان ۵۵ درصد می باشد

رضا زاده و همکاران (۱۳۵۲)، در پژوهشی با عنوان نقش رویکرد دارایی- مبنا در توسعه پایدار محلی مطالعه موردی: محله امامزاده حسن تهران، به بررسی نقش رویکرد دارایی- مبنا در توسعه پایدار محلی از دو جنبه کالبدی و اجتماعی پرداخته اند. در این پژوهش رابطه معنا داری بین سرمایه های محلی و پایداری محلی تایید شده است

### نتیجه گیری

رشد جمعیت شهرنشین و افزایش مهاجرت به شهرها، منجر به توسعه غیر قابل کنترل نواحی شهری، کاهش سطح رفاه انسانی، نیل به سمت حومه نشینی و بروز مشکلات فراوان برای مدیران مختلف شهری به ویژه در کشورهای در حال توسعه شده است و مجموعه این عوامل، سبب نگرانی های برنامه ریزان شهری شده است و زمینه مطالعه جدی مدیران، برنامه ریزان شهری و همچنین سیاست مداران را فراهم نموده است. یکی از مباحث مهم پیرامون مسائل شهری، مفهوم توسعه پایدار شهری است که توسعه ای مبتنی بر نیازهای واقعی و را « توسعه پایدار ». تصمیم گیری های عقلایی، با در نظر گرفتن ملاحظات مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی محسوب می گردد نیز مفهومی می دانند که در آن تأمین مستمر نیازها و رضایتمندی افراد همراه با افزایش کیفیت زندگی انسان را مدنظر قرار می دهد. پایداری شهری که با معیارهایی نظیر عدالت اجتماعی، مشارکت شهروندی و همبستگی اجتماعی، افزایش کارآمدی نهادهای اجتماعی، ارتقاء فرهنگ شهروندی و کارآمدی سیاست ها و برنامه های سیاست گذاری در حوزه کلان شهری و بهینه سازی مناسبات مدنی قوام می یابد، آرمانی برای کیفیت پویایی زندگی شهری و سبک جدید زیستن است.

### پیشنهادهای تحقیق

پیشنهادهای تحقیق حاضر در راستای تایید تاثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه شهری پیشنهاد می شود: مدیران و مسئولان باید به سرمایه اجتماعی به عنوان محور اصلی مدیریت در سازمان ها توجه کنند تا نیل به اهداف سازمانی راحت تر صورت گیرد و برای بهبود سرمایه اجتماعی پیشنهاد می گردد برای افزایش آن برنامه های متنوعی در نظر گرفته شود و شهروندان را ملزم به مشارکت در آن نمون. تشویق به ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی یکی از راه های ساختاری افزایش سرمایه اجتماعی است بنابراین به ذیربطان و مدیران پیشنهاد می گردد به ایجاد این نهادها اهتمام ورزند. در راستای تایید تاثیر سرمایه اجتماعی بر شاخص اجتماعی توسعه شهری پیشنهاد می شود: به شهروندان پیشنهاد می شود در راستای شاخص های اجتماعی، جهت ارتقای سطح زندگی، تعاملات و مراودات اجتماعی را بهبود داده و در راستای بهبود این شاخص تلاش نمایند، مشورت و همفکری با سایر شهروندان در رابطه با موضوعات اجتماعی، برنامه ریزی شهری در جهت ایجاد شادی و نشاط شهروندان، همچنین برنامه ریزی مناسب جهت ایجاد حس امنیت و آرامش نیز توصیه می



شود همچنین مسئولان اجتماعی باید در رابطه با مشکلات شهروندان تمهیداتی قائل شوند. در راستای تایید تاثیر سرمایه اجتماعی بر شاخص اقتصادی توسعه شهری پیشنهاد می شود: مسئولان باید توجه داشته باشند در راستای بهبود اقتصاد شهری تلاش نمایند، استخدا و تربیت نیروی متخصص و توانمند می تواند در بهبود شاخص اقتصادی کمک شایانی نماید، همچنین تعاون و همکاری شهروندان نیز در زمینه مسائل اقتصادی امری مهم بوده و مسئولان باید تلاش نمایند بنگاه های اقتصادی جهت حمایت لازم جهت رفاه حال شهروندان تاسیس نمایند و از این طریق بهبود شرایط اقتصادی را ارتقا دهند. در راستای تایید تاثیر سرمایه اجتماعی بر شاخص زیست محیطی توسعه شهری پیشنهاد می شود: برنامه ریزی برای آموزش توسعه پایدار مستلزم توجه به فاکتورهای مؤثر درون سازمانی و برون سازمانی است. در یک رویکرد سیستمی، سیاستگذاران و برنامه ریزان آموزش توسعه پایدار در نظام آموزش عالی، نیازمند شناسایی عوامل تأثیرگذار در سطوح مختلف (کال، سازمانی، کالس و حتی فرد) و تعیین روابط میان آنها هستند تا بتوانند با یک رویکرد منسجم، امکانات و پتانسیلهای وجود را در جهت تحقق توسعه پایدار هدایت نمایند

در راستای تایید تاثیر سرمایه اجتماعی بر شاخص نهادی توسعه شهری پیشنهاد می شود: مسئولان باید توجه نمایند برنامه ریزی شهری در راستای نیازهای بنیادی شهروندان طراحی شود، همچنین اقدامات زیرساختی با توجه به گروه ها و رده های سنی متفاوت طرح ریزی شود، همچنین نیاز اقشار مختلف جامعه شناسایی شود و استراتژی های الزم در راستای رسیدگی و تامین نیازهای آنها طراحی گردد. زیرساخت ها و نهادهای اصلی جامعه باید به گونه ای طراحی شوند که بتوانند زمینه توسعه و پیشرفت شهر را فراهم آورند و باید بعد اعتماد در شهروندان را تقویت نمود تا این اعتماد منجر به مشارکت دوجانبه بین شهروندان و جامعه شده و بتواند نتیجه مضاعفی ایجاد نمود. در راستای تایید تاثیر سرمایه اجتماعی بر شاخص کالبدی توسعه شهری پیشنهاد می شود: باید مسئولان تلاش نمایند در طراحی فضای شهری اهتمام ورزند در این زمینه استفاده از نیروی توانمند نقاش و طراحی در زمینه نقاشی شهری کمک شایانی می کند و باید تلاش شود طراحی فضای شهری در جهت نیاز حال شهروندان انجام گیرد.

#### منابع:

۱. بحرینی، حسین (۱۳۷۸)، تحلیل فضاهای شهری، چاپ دوم، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران بحرینی، حسین (۱۳۸۵)، فرآیند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران
۲. موسوی، میر طاهر، علی پور، پروین (۱۳۹۱)، تاملی بر نظریه سرمایه اجتماعی در جامعه شناسی، چاپ پژوهش اندیشه
۳. معمار، ثریا (۱۳۹۴)، توسعه پایدار محله ای، چاپ اول تهران
۴. مقیمی، عباس (۱۳۹۲)، «نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محلات شهری»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز
۵. منزوی، مهشید و دلیر، اسمعیل (۱۳۹۰)، اصول توسعه و عمران منطقه، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم
۶. مختاری، مرضیه، نظری، جواد (۱۳۸۹)، جامعه شناسی کیفیت زندگی، انتشارات جامعه شناسان
۷. مجیدی خامنه، بتول، کلیوند، حجت الله (۱۳۹۱)، «تحلیل ساختار فضایی محله شهری برمبنای توسعه پایدار اجتماع محور، فصلنامه آمایش محیط شماره ۱۵، ص ۴۶-۶۴
۸. رحیمی، حسین (۱۳۸۳)، جغرافیا و توسعه پایدار، نشر اقلیدس
۹. رفیعیان، مجتبی، هودسنی، هانیه (۱۳۸۸) بازتولید سرمایه های اجتماعی در محلات شهری در رویکرد توسعه پایدار اجتماعات محلی»، پژوهش نامه شماره ۴۷، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ص ۵
۱۰. رهنما، محمد رحیم، عباس زاده، غلامرضا (۱۳۸۷)، اصول، مبانی و مدل های سنجش فرم کالبدی شهر، انتشارات جهاد.
۱۱. سیمون، بل، موریس، استفان (۱۳۸۵). سنجش پایداری، مترجم ناصر شاهنوشی، سیاوش دهقانپان، یدالله آذین فر، انتشارات دانشگاه فردوسی

۱۲. نوابخش، مهرداد، ارجمند سیاه پوش، اسحق (۱۳۸۸)، مبانی توسعه پایدار شهری، انتشارات جامعه شناسی

## Examining the foundations of social capital on Sustainable Urban Development

**Zohreh Ahmadi**

**Master of Arts, archaeology, Islamic Free University of the Abhaar unit**

### 1-1-

#### Abstract - ۲-۱

The increasing growth of urbanization and the change in the nature and complexity of issues have led to inefficiency of macro-scale planning and management. This has made the need to pay more attention to lower levels and to look from the bottom up in order to sustainably solve urban problems more evident, because in the smallest urban unit, the neighborhood, the dimensions of life are more tangible and the comprehensive and comprehensive attention seems inevitable. In this regard, local capital has been given a special place in urban planning and design. In this study, the concept of social capital consists of two cognitive and structural dimensions and the concept of sustainable development includes social, economic, environmental, institutional and physical, which examines the relationship between the concepts and the dimensions mentioned. The present research is methodologically based on the objective of the fundamental theoretical and qualitative type. The theoretical framework of this research is based on theories of sustainable development and. The data is compiled through library - document studies. The results indicate the importance of social capital in sustainable development and finally proposals in various areas of Sustainable Development have been made to strengthen the city.

**Keywords Social Capital, Development, Sustainable Development - ۱-۳**